



معضل بازگشایی مدارس

مسئله بازگشایی مدارس، یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین تصمیماتی است که دولت‌ها به موازات کاهش تعطیلی‌ها با آن مواجه شده‌اند.

شاید عجیب باشد: کشورهای اروپایی در کنار مراکز خرید، مدارس‌شان را نیز بازگشایی می‌کنند.

برای میلیون‌ها کودک و نوجوان در سراسر جهان، بازگشت به مدرسه در ترم جدید، امری غیرقطعی است. بچه‌های مدرسه‌ای از جمله مظلوم‌ترین قربانیان تصمیم دولت‌ها برای تعطیل کردن اقتصاد برای کند کردن شیوع کروناویروس بوده‌اند. غیبت طولانی از مدرسه به معنای شکاف در یادگیری و فقدان تعامل اجتماعی با همسالان است. در این زمینه کودکان خانواده‌های فقیر بیشتر در خطرند. همان‌طور که خیلی از والدین و معلمان و کودکان در هفته‌های اخیر دریافته‌اند، یادگیری آنلاین، جایگزینی ساده و دسترس‌پذیر برای کلاس درس نیست.

مسئله بازگشایی مدارس، یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین تصمیماتی است که دولت‌ها به موازات کاهش تعطیلی‌ها با آن مواجه شده‌اند. برخی داده‌های نشان می‌دهد که کودکان کم سن و سال، کمتر به کووید ۱۹ مبتلا می‌شوند و از نظر انتقال ویروس هم (نسبت به بزرگ‌ترها) کمتر ویروس را منتقل می‌کنند. اخیراً یک پژوهش جمعیتی در ایسلند که در دوره بحران مدارس ابتدایی را باز نگه‌داشت، به این یافته رسیده است که احتمال عفونت در کودکان با سن کمتر از ده سال، کمتر از نوجوانان و بزرگسالان است. اما برخی تحقیقات دیگر (از جمله تحقیقی که سه‌شنبه قبل از سوی انستیتو پاستور منتشر شد و مربوط به شیوع بیماری در شهری در شمال شرقی پاریس بود) نشان می‌دهد که نرخ بالای شیوع در مدارس متوسطه وجود داشته است.

پس احتمالاً هیچ رویکرد یکسان و فراگیری برای رسیدن به بهترین روش بازگشایی مدارس وجود ندارد. سیاستگذاران باید چند عامل را در نظر بگیرند، از جمله اینکه در چه مرحله‌ای از شیوع بیماری هستند و ملاحظات فرهنگی به چه صورت است. جوامعی که تعداد خانوارهای چندنسلی در آن‌ها زیاد است باید بسیار مراقب باشند. این پژوهش نشان می‌دهد که زندگی چند نسل زیر یک سقف، می‌تواند شیوع کووید ۱۹ را افزایش دهد (برای مثال در ایتالیا).

امکانات یک کشور برای انجام تست ابتلا به کرونا نیز عامل کلیدی دیگری است. دانمارک که ۱۰ روز پیش مدارسش را باز کرد و اولین کشور اروپایی است که مدارس در آن بازگشایی می‌شود، تمام افرادی که نشانه‌های ابتلا به ویروس را دارا هستند، مورد آزمایش قرار می‌دهد. به مدارس دانمارک این اختیار داده شده که مستقلاً تصمیم بگیرند که اصل

اساسی یعنی حفظ فاصله دو متری در میان دانش‌آموزان را چگونه مدیریت کنند. در بسیاری از موارد، کلاس‌ها به دو گروه تقسیم شده و در زنگ تفریح هم هر گروه به چند زیرگروه تقسیم می‌شود.

اما در کشورهایی که آزمایش در مقیاس گسترده همچنان یک چالش است، (از جمله در انگلستان)، سیاستگذاران تنها می‌توانند به بازگشایی بخشی از مدارس فکر کنند تا کودکان و کارکنان از بیماری در امان بمانند. دانشگاه آکسفورد و برخی دانشگاه‌های سوئیس در یک همکاری پژوهشی، کارآمدی راهبردهای گوناگون فاصله‌گذاری شبکه‌محور را برای مسطح کردن منحنی ابتلا به ویروس بررسی کرده‌اند. نمونه‌ای از پیاده‌سازی چنین رویکردی آن است که شاگردان مدرسه را به گروه‌های خرد تقسیم کنیم و با دیگران تعامل اجتماعی نداشته باشند. هرگونه بازگشایی مدارس باید همراه با آزمایش‌های مفصل باشد تا بتوان مبتلایان را شناسایی کرد و بر اساس آن محدودیت‌ها را اصلاح و بازبینی کرده، یا در بدترین حالت، به وضعیت تعطیلی مدارس بازگشت. در این شرایط بسیار مهم است که سیاستگذاران از میزان کارآمدی هر یک از راهبردهای گوناگون فاصله‌گذاری اجتماعی آگاهی داشته باشند.

تعطیلی‌ها همچنین باعث شده نابرابری‌های آموزشی موجود برجسته‌تر شوند. پژوهشی که بنیاد ساتن () انجام داده است نشان می‌دهد دوسوم کودکان بریتانیایی از هنگام شروع تعطیلی‌های کرونایی، در یادگیری‌های آنلاین شرکت نکرده‌اند. برای کودکان آسیب‌پذیر، مدرسه برای کودکان در معرض آسیب نه‌تنها نهادی برای پرورش مهارت‌های زندگی است، بلکه جایی است برای دریافت وعده‌های غذایی و مکانی برای امنیت.

مثال‌های فوق نشان می‌دهند سیاستگذاران می‌توانند رویکردهای گوناگونی برای بازگشایی مدارس در مناطق و کشورهای مختلف داشته باشند. اما در هر حال باید مردم را در جریان نقاط قوت و ضعف هر رویکرد قرار دهند. تصمیم‌گیری در این مورد هر چقدر هم پیچیده و طاقت‌فرسا باشد، وقت آن رسیده است که برنامه‌ریزی برای بازگشت ایمن کودکان به آموزش رسمی آغاز شود.

لازم به بیان این نکته است که متون سیاستی منتشر شده در شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی (شمس)، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این مرکز نیست.